

## تحلیل محتوای کیفی الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه امام خمینی(ره)

میثم قهرمان\*

هادی کشاورز\*\*

### چکیده

در تحلیل سیر اندیشه امام خمینی (ره) کتاب ولایت فقیه از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. تحلیل و فهم کتاب ولایت فقیه به دلیل محتوای خاکش که در آن مؤلفه‌ها و مقولات متعددی در حال گفتگو و ارتباط می‌باشند، نیازمند به کارگیری روش شناسی‌های مناسب می‌باشد. در این نوشتار، بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی در پی فهم کتاب ولایت فقیه می‌باشیم. روش تحلیل محتوای کیفی علاوه بر اینکه می‌تواند تفسیری خاص را از این کتاب ارائه دهد، از آن جهت که روشی پایه‌ای است، نتایج آن می‌تواند راهگشای محققین برای تحلیل گفتمان و دیگر روش‌های کیفی جهت تحلیل کتاب ولایت فقیه باشد. تحلیل محتوای کیفی را با مشخص نمودن وجوده معنایی متن و سپس برچسب زدن به آن‌ها در قالب کارهای آغاز می‌نماییم و در ادامه با مقوله‌بنایی کارهای و قرار دادن مقولات در ذیل تم‌های مناسب، ارتباطات و پیوندهای بین مقوله‌ها را کشف می‌کنیم تا این طریق بتوانیم تفسیری خاص از الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه را ارائه نمائیم. نهایتاً، نتیجه به دست آمده از تحلیل محتوای کیفی و روح حاکم بر کتاب ولایت فقیه از یکسو وجود مبانی «حکومت مطلوب در اسلام» و از سوی دیگر، «از زوم انقلاب» را تشکیل می‌دهد.

### واژگان کلیدی

تحلیل محتوای کیفی، الگوی نظام سیاسی، کتاب ولایت فقیه، امام خمینی، حکومت اسلامی.

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) meisam.ghahreman@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران keshavarz.hadi@yahoo.com

#### مقدمه

از زمانی که «برنارد برلسون<sup>۱</sup>» روش تحلیل محتوا را به عنوان روشی مستقل نام‌گذاری و تعریف کرد، بیش از نیم قرن می‌گذرد. در این مدت، این روش کاربردهای بسیاری هم در تجزیه و تحلیل وسایل ارتباط جمعی و هم در سایر زمینه‌های علوم اجتماعی داشته است. برنارد برلسون در یک تقسیم‌بندی مشخص در سال ۱۹۵۲، پنج هدف عمده را برای تحلیل محتوا مشخص کرد که عبارتند از: ۱. توصیف ویژگی‌های اصلی محتوای پیام، ۲. توصیف ویژگی‌های شکلی محتوای پیام، ۳. استنباط مفاهیم مورد نظر تهیه‌کنندگان محتوا، ۴. استنباط برداشت مخاطبان پیام از محتوا آن و ۵. پیش‌بینی اثرات محتوا بر مخاطبان. این دسته‌بندی که در اولین اثر مکتوب درباره روش تحلیل محتوا ارائه شد، نشان می‌دهد که از همان ابتدا هدف از تحلیل محتوا تنها توصیف صرف ویژگی‌های متن نبود بلکه مهم‌تر از آن، نتیجه‌گیری و استنباط از محتوا نیز مورد نظر اندیشمندان بوده است. کما اینکه از پنج هدف فوق، سه هدف استنباطی است (محمدی‌مهر، ۱۳۸۷: ۲۶). بنابراین، در این روش توصیف و استنباط متن که در ارتباط منطقی با هم می‌باشد، قابلیت‌ها و توانایی‌های زیادی برای تحلیل متن فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر، در هر تحلیل محتوا کار محقق استنباط از روی داده‌ها درباره جنبه‌های خاصی از متن آن‌ها و توجیه استنباط‌ها بر حسب شناخت عوامل پایدار در نظام مورد نظر است (کرپندرف، ۱۳۷۸: ۳۳).

در این نوشتار بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی به سراغ کتاب ولايت فقیه امام خمینی (ره) می‌رویم تا از قابلیت‌های این روش جهت توصیف و استنباط کتاب ولايت فقیه بهره‌گیری نمائیم. علاوه بر فهم و ارائه تفسیری خاص از این کتاب، روش تحلیل محتوای کیفی از این جهت که پایه و اساس روش تحلیل گفتمان و دیگر روش‌های کیفی می‌باشد، روش منع و کارآمدی است که می‌تواند به تحقیقات بعدی یاری رساند. برای مثال، دکتر فیرحی در مقاله «مشکلات روش شناختی ورود به اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» بیان می‌دارند که برای ورود به اندیشه‌های امام خمینی (ره)، به دلیل ماهیت خاص آن‌ها باید از روش شناسی ویژه‌ای استفاده کرد. ایشان استدلال می‌نمایند که امام خمینی (ره)، اندیشه‌های خود را در یک فضای دوگانه ارائه داده‌اند، فضای سنتی پیش از

جمهوری اسلامی و فضای موجود در آستانه انقلاب و پس از تأسیس یک دولت مذهبی نوین، در آثار ایشان این دوگانگی مشهود است. امام خمینی (ره)، همچون پلی، ارتباطدهنده بین گذشته و حال، یا حتی گذشته و آینده محسوب می‌شوند. به همین دلیل نمی‌توان امام و آثار او را به شیوه‌های سنتی تحلیل کرد (فیرحی، ۱۳۷۸a: ۱۴۷).

دکتر فیرحی معتقدند، شاید بتوان با تکیه بر تحلیل گفتمانی تمایزات اساسی آن را با ارکان تفکر قدیم اسلامی بر جسته نموده و مقدمات نظری برای تحلیل فهم جدید امام (ره) از نصوص دینی فراهم نمود (فیرحی، ۱۳۷۸b: ۳). بنابراین، جهت تحلیل گفتمانی آثار امام خمینی (ره) که دکتر فیرحی توصیه نموده‌اند، بهره‌گیری از نتایج تحلیل محتوای کیفی این آثار، می‌تواند راهگشا و یاری‌رسان باشد.

برای تحلیل محتوای کیفی کتاب ولایت فقیه، در ابتدا وجود معنایی (واحد معنا) متن را مشخص می‌نماییم. به دلیل اینکه واحد تحلیل ما کتاب می‌باشد و آوردن کامل وجوده معنایی حجم زیادی از کار تحقیقی را اشغال می‌نماید، از واحدهای معنایی فشرده‌شده استفاده خواهیم نمود. پس از مشخص نمودن واحدهای معنایی فشرده‌شده، به هر یک از این واحدها، برچسب و کدی اختصاص می‌دهیم تا ضمن آنکه دسترسی و استفاده از آن‌ها آسان‌تر شود، بر قدرت تحلیل نیز اضافه گردد. سپس کدهای به دست آمده را بر اساس معنای مشترکی که در میان آن‌ها وجود دارد در ذیل مقولات مختلف قرار می‌دهیم. با این کار می‌توان به قدرت تحلیل بیشتری دست پیدا نمود. به بیان دیگر متن به واسطه این مقولات تفسیر و سنجه‌ده می‌شود (یوسفی ارجمند، ۱۳۸۵: ۶۵). پس از مقوله‌بندی کتاب ولایت فقیه، مقولات را در ذیل تم و یا تم‌های مشترک تحلیل می‌نمائیم. بدین ترتیب، در هر مرحله و با هر طبقه‌بندی به قدرت تحلیل گر افزوده می‌شود. درنهایت، تلاش نموده الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه را بر اساس این طبقه‌بندی‌ها و تحلیل‌ها، توصیف و تفسیر نمائیم. بنابراین تلاش این پژوهش پاسخ به این سؤال است که، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) روح حاکم بر کتاب و اندیشه امام خمینی (ره) چه می‌باشد؟

### تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوا به منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. شاخص‌های گوناگون علوم اجتماعی همچون ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی آن را در پژوهش‌های خود به کار گرفته‌اند. پس از جنگ جهانی دوم هارولد لاسول و همکارانش با انتشار کتاب «زبان سیاست»، دیدگاه‌ها و جهت‌های نوینی را برای به کارگیری این تکنیک فراهم آوردند. در دهه ۱۹۵۰، برلسون کتاب خود را با عنوان «تحلیل محتوا در تحقیقات مربوط به ارتباطات» منتشر کرد. در دهه ۱۹۶۰ استفاده از کامپیوتر در به کارگیری این روش موجب رشدی فراینده در بهره‌برداری از آن شد. اواسط قرن بیستم ایراداتی به تحلیل‌های سطحی بدون در نظر گرفتن محتوای پنهان تحلیل وارد شد. از این زمان بود که رویکردهای کیفی در تحلیل محتوا گسترش یافتد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸-۲۷).

بنابراین، می‌توان دو رویکرد کمی و کیفی را در تحلیل محتوا از یکدیگر متمایز نمود. برلسون در تعریفی کمی از تحلیل محتوا آن را تکنیکی پژوهشی برای توصیف عینی منظم و کمی محتوای آشکار پیام می‌داند. شرط «عینی» و «منظم» بودن تکنیک مشمول شرط تکرارپذیری است. تکرارپذیری یک فرآیند<sup>۴</sup> مستلزم آن است که قواعد<sup>۵</sup> حاکم بر آن صریح و روشن بوده، برای همه واحدهای تحلیل به‌طور یکسان قابل اعمال باشد (کریپندورف، ۱۳۷۸: ۲۶).

از نظر گروهی از محققان، صرف محتوای ظاهری پیام چندان ارزشمند نیست و یک پژوهشگر باید استنباط و قضاوت خود را نیز به کار ببرد و محتوای پنهان یک پیام ارتباطی را توصیف و تفسیر کند. بدین ترتیب، ما درون هر متنی با دو سطح آشکار و پنهان مواجه‌ایم که به عقیده این محققان تحقیقات کمی نمی‌توانند تفسیری از محتوای پنهان متن ارائه دهند. به عبارت دیگر، تفسیرگرایی، به عنوان منبع هستی‌شناسی پژوهش کیفی به پژوهش‌گر می‌گوید که چگونه دانش معینی را تولید کند یا از چه روشی بهره جوید (صادقی‌فسائی و ناصری‌راد، ۱۳۹۰: ۹۵). بنابراین، تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌هایی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا از طریق تفسیر به محتوای پنهان متن که سطح ساختار عمیق معانی است، دسترسی پیدا نمود. به بیان دیگر، در تحلیل

محتوای متن به صورت کیفی ریشه‌ها تحلیل می‌شوند. تحلیل ریشه‌ها ماهیت ساختاری و استدلالی دارد و در بطن معانی که متن تولید می‌کند، نهفته است (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲: ۸۷). از سوی دیگر تحلیل محتوای کیفی به عنوان بخشی از پژوهش‌های کیفی، رویکرد کلی و جامعی نسبت به تحلیل داده‌های مورد بررسی دارد و به همین دلیل می‌کوشد تا به طور کامل بر پیچیدگی‌های مسائل اجتماعی تحت بررسی فائق آید (شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

در این راستا، «هولستی<sup>۱</sup>» و «فیلیپ استون<sup>۲</sup>» در تعاریفی مشابه از استنباط‌سازی و کشف مشخصات ویژه یک پیام در تحلیل‌های کیفی سخن می‌گویند. هولستی، تحلیل محتوا را هرگونه تکنیکی برای ساختن استنباط‌هایی می‌داند که به واسطه شناخت نظاممند و عینی از مشخصات ویژه متن صورت می‌گیرد (Holsti, 1968: 608). استون، نیز تحلیل محتوا را روشی می‌داند که به صورت عینی و بر پایه قواعد معینی، مشخصات ویژه از یک پیام را کشف می‌کند (Stone, 1966: 5). همان‌گونه که ملاحظه می‌نماییم در تعاریف کیفی‌تر از تحلیل محتوا، بر کشف معانی، استنباط‌سازی و تفسیر متن تأکید بیشتری می‌شود. با این وجود، هولستی و استون در روش تحلیل محتوا به عینیت و نظاممندی تحلیل معتقد‌می‌باشند. در نگاه «پاتون<sup>۳</sup>» تحلیل محتوای کیفی، اصولاً تحلیل محتوایی استنباطی است (Neuendorf, 2002: 54).

در تعریفی جامع‌تر که «شی‌یه» و «شانون<sup>۴</sup>» از تحلیل محتوای کیفی ارائه می‌دهند نیز بر نقش تفسیر ذهنی تحلیل‌گر تأکید می‌گردد. آن‌ها تحلیل محتوای کیفی را روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوا داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظاممند از کدبندی و شناسایی زمینه‌ها و یا الگوها می‌دانند (Hsieh & Shannon, 2005: 1278). «ژانگ» و «ویلدموث<sup>۵</sup>»<sup>۶</sup> در تعریف تحلیل محتوای کیفی بر فرآیند متراکم‌سازی‌ای تأکید می‌کنند که سراسر استنباطی و تفسیری است. به بیان آن‌ها تحلیل محتوای کیفی شامل یک فرآیند طراحی‌شده جهت مترکم کردن داده‌های خام درون مقولات یا زمینه‌ها بر اساس تفسیر و استنباطی معتبر می‌باشد (Zhang & Wildemuth, 2009: 309). این تعریف، نشان می‌دهد که تفسیر و استنباط در تحلیل محتوای کیفی می‌تواند حجم انبوهی از متون را به بهینه‌ترین شکل ممکن، تقلیل دهد. این امر مزیتی برای روش‌های تحلیل

استقرایی و یا موردمحور<sup>۱۱</sup> به شمار می‌آید (فلیک، ۳۵۰: ۱۳۸۸). به طور کلی می‌توان سه تفاوت اساسی میان تحلیل محتوای کیفی و کمی را این‌گونه بیان نمود: ۱. کلمات در مقابل اعداد<sup>۱۲</sup>، ۲. دیدگاه عینیت‌محور در مقابل دیدگاه منظر محور<sup>۱۳</sup>، و ۳. کشف در مقابل اثبات<sup>۱۴</sup> (Maykut & Morehouse, 1994: 16-20).

### رویکردهای تحلیل محتوای کیفی

بر اساس نظریهٔ شیوه و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینهٔ تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ۱. تحلیل محتوای عرفی و قراردادی<sup>۱۵</sup>، ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار<sup>۱۶</sup>، ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی<sup>۱۷</sup> (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲).

اولین رویکرد «تحلیل محتوای کیفی متعارف» است که در آن مقولاتِ کدگذاری شده به طور مستقیم و استقرایی از داده‌های خام مشتق می‌شوند (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲: ۸۹). بنابراین، این نظریه قابل لمس نیست و شکلی انتزاعی دارد و در مشاهدات منظم ریشه دارد و یا زمینه‌ای شده است. به دلیل اینکه در تحلیل محتوای کتاب ولايت فقیه از این روش بهره برده‌ایم، پس از تشریح اجمالی دو رویکرد بعدی، مراحل انجام تحلیل محتوای کیفی متعارف را تشریح خواهیم نمود.

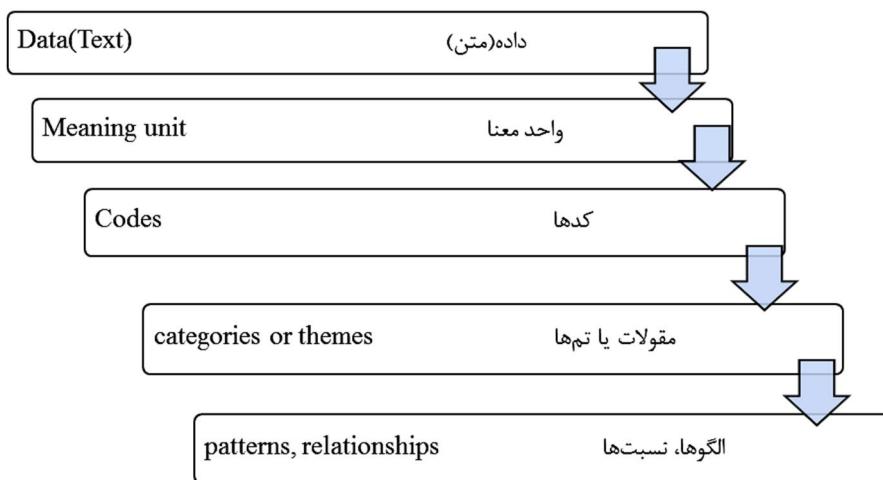
گاه نظریه یا تحقیقات پیشین درباره یک پدیده مطرح است که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. این روش را معمولاً براساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند که تمایزات آن با دیگر روش‌ها براساس نقش نظریه در آن‌هاست. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. بدین ترتیب، تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوا از فرآیند ساختارمندتری برخوردار است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۴). بنابراین، در این رویکرد، نخست کدگذاری و مقوله‌بندی متن با یک نظریه، یا یافته‌های پژوهشی آغاز می‌شود و سپس در طی تحلیل داده‌ها پژوهشگر خود را در داده‌ها غرق می‌کند و اجازه می‌دهد که تم‌های جدید از داده‌ها تکوین یابند.

هدف از این رویکرد معمولاً اعتباریابی<sup>۱۸</sup> و یا گسترش یک چارچوب مفهومی یا یک نظریه است. این رویکرد قیاسی - استقرایی است.

رویکرد سوم «تحلیل محتوای تلخیصی» است که با شمارش لغات یا محتوای آشکار آغاز می‌شود. سپس تحلیل به مفاهیم و مضامین پنهان گسترش می‌یابد. این رویکرد در مراحل اولیه کمی به نظر می‌رسد، اما هدفش جستجوی کاربرد لغات و شاخص‌ها در یک روش استقرایی است (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲: ۹۰). به عبارت دیگر، مطالعه‌ای که از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی استفاده می‌کند با شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین ویژه موجود در متن، با هدف فهم چگونگی کاربرد این کلمات یا محتوای آن‌ها در متن آغاز می‌شود. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی می‌تواند به آن سوی شمارش که همان تحلیل محتوای پنهان و نهفته موجود در کلمات است، نیز برود. تحلیل محتوای پنهان به فرآیند تفسیر محتوا مربوط می‌شود. در این نوع تحلیل، تمرکز روی کشف معانی اصولی واژه یا مضامین آن است.

حال به رویکرد تحلیل محتوای کیفی متعارف بازمی‌گردیم تا مراحل انجام آن را تشریح نمائیم. همان‌گونه که اشاره شد، در این رویکرد نظریه‌های از پیش موجود جایگاهی ندارند و اطلاعات جمع‌آوری شده (چه متن کتاب و چه از طریق مصاحبه و...) از طریق تداعی معنا تحلیل می‌شوند. در این حالت، تحلیل داده‌ها با خواندن آن‌ها به صورت مکرر آغاز می‌شود تا درکی کامل درباره آن‌ها به دست آید. به بیان دیگر، محقق بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را آغاز می‌نماید و با خواندن مکرر آن تحلیل خود را تکمیل می‌نماید. پیش از تشریح مراحل تحلیل محتوای کیفی متعارف، می‌توان آن را در نمودار زیر به‌طور خلاصه نشان داد:

### مراحل تحلیل محتوای کیفی متعارف



همان‌گونه که در نمودار مشخص است، در مرحله نخست، تحلیل‌گر بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده و یا متنی که پیش روی اوست (در این کار تحقیقی، کتاب ولايت فقيه)، تحلیل خود را با بیرون کشیدن واحدهای معنا از متن شروع می‌نماید. گرانهیم و لاندمان<sup>۱۹</sup> پس از ارائه تعاریف واحد معنا نزد باکستر<sup>۲۰</sup> (مجموعه کلمات یا جملاتی که به یک معنای مرکزی مربوط می‌باشند)، کوواچ<sup>۲۱</sup> (یک واحد ایده)، کرپیندورف<sup>۲۲</sup> (یک واحد متنی)، لیچستین و یانگ<sup>۲۳</sup> (یک کلمه کلیدی و یک عبارت)، و مبلت<sup>۲۴</sup> (یک واحد تجزیه و تحلیل) و... به تعریف خود از واحد معنا می‌پردازند؛ از نظر آن‌ها، واحد معنا، کلمات، جملات و یا پاراگراف‌هایی هستند که از رهگذار محتوا و زمینه‌یشان شامل جنبه‌های مرتبط با یکدیگر می‌باشند (Graneheim & Lundman, 2003: 106). بنابراین، واحد معنا، بخشی از متن و یا داده‌های جمع‌آوری شده است که حامل معنایی است و تحلیل‌گر با مشخص نمودن آن‌ها، تحلیل محتوا را آغاز می‌نماید.

در مرحله بعد، واحدهای معنا توسط برچسب‌ها و کدهایی از یکدیگر متمایز می‌شوند. با کدبندی هم دسترسی به واحدهای معنا آسان می‌شود و هم به دلیل اینکه تحلیل‌گر می‌تواند به واسطه این کدها، واحدهای معنا را در ارتباط منطقی با یکدیگر

تحلیل و دسته‌بندی نماید، بر قدرت تحلیل گر نیز اضافه می‌گردد و پژوهشگر می‌تواند تفسیر عمیق‌تری از متن به عنوان یک واقعیت اجتماعی به دست آورد و به واسطه این انتزاع و تفسیر است که می‌تواند به تعیین مقولات مناسب پردازد.

پس از مرحله کدگذاری نوبت به تعیین مقولات می‌باشد. ایجاد مقوله، ویژگی اصلی تحلیل محتوای کیفی است. مقوله‌بندی عبارت است از عمل طبقه‌بندی عناصر سازنده یک مجموعه از طریق تشخیص تفاوت‌های آن‌ها و سپس گروه‌بندی مجددشان بر اساس شباهت عناصر. مقولات موضوع‌ها یا طبقاتی هستند که گروهی از عناصر را زیر یک عنوان نوعی جمع می‌کنند و علت این گردآوری، خصوصیات مشترک این عناصر است (باردن، ۱۳۷۴: ۱۳۵). علاوه بر خصوصیات مشترک عناصر، مقولات باید دارای ویژگی‌های ۱. فراگیری، ۲. طرد متقابل، و ۳. استقلال باشند. فراگیری تضمین می‌کند که هر واحدی که در متن بوده و باید مورد تحلیل قرار می‌گرفته، ثبت شده و در یکی از مقوله‌ها قرار گرفته است. بدین ترتیب، همیشه باید تعداد کافی از مقوله‌ها وجود داشته باشد تا همه واحدها را پوشش دهد. طرد متقابل نیز تضمین می‌کند که هیچ‌یک از واحدهای مورد تحلیل در بیش از یک مقوله گنجانیده نشده است. استقلال هم به معنای آن است که هر مقوله‌ای هویت مشخص و جداگانه‌ای دارد و ارزش آن از ارزش دیگر مقوله‌ها جداست و به ارزش هیچ مقوله دیگری وابسته نیست. به بیان دیگر، انتخاب یک واحد به یک مقوله مستلزم انتساب سایر واحدها نیست (صدقی سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۹). در این ارتباط، پاتن مقوله‌ها را بر اساس هماهنگی درونی و ناهماهنگی با بیرون (Patton, 2001: 465) تعریف می‌نماید.

در مرحله بعد لازم است محتوای مقولات توصیف شوند. در صورت نیاز می‌توان از شمارش و فراوانی مقولات و نیز از دیگر مطالعات کیفی استفاده کرد (پیربداقی، ۱۳۸۸: ۲۹). بنابراین، متن به محک این مقولات زده شده و بدین ترتیب، تحلیل و تفسیری که از متن می‌شود با مقوله‌ها سنجیده می‌شود. درواقع، در کار تحلیل لازم است ارتباطات و پیوندهای بین مقوله‌ها را کشف کنیم و پیوندهای حشو و زاید را حذف کرده، الگوهای ارتباطی منطقی بین مقوله‌ها برقرار سازیم (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۴۰۹). حال می‌توان ارتباط میان داده‌های متنی، کد و مقولات را بهتر درک نمود. بدین معنا که کد،

پیوندی است که پژوهشگر میان داده‌ها و مقولات برقرار می‌کند (لیندلوف و تیلور، ۱۳۸۸: ۲۷۴)، که بدون برقراری این پیوند، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی متن و داده‌ها، و درنهایت، برقرار نمودن ارتباطات منطقی بین مقوله‌ها به سختی امکان‌پذیر می‌گردد.

پس از برقرار نمودن ارتباطات منطقی بین مقوله‌ها، می‌توان مقولات را در قالب تم‌هایی طبقه‌بندی نمود. به عبارت دیگر، تم مفهوم کلی است که حاصل جمع‌بندی مقوله‌ها می‌باشد. تم محوری است که معانی اساسی و مشترک در بین چند مقوله را به هم پیوند می‌زند (Graneheim & Lundman, 2003: 107). پس تم را می‌توان رشته اصلی معنا در واحدهای معانی فشرده و متراکم، کدها یا مقولات در سطحی تفسیری در نظر گرفت. لازم به ذکر است که ما از مرحله نخست که مشخص نمودن واحدهای معنا می‌باشد، وارد سطح انتزاع<sup>۲۵</sup> و تفسیر شده‌ایم؛ اما مرحله به مرحله به سطح انتزاع و تفسیر تحلیل گر افروده می‌شود، بنابراین، در تعیین تم‌ها، تحلیل گر از سطح تفسیری و انتزاعی بالایی بهره می‌برد. درنهایت، در الگوسازی، تحلیل گر در سطح بالایی از انتزاع و تفسیر، رابطه میان تم‌ها را می‌سنجد. هدف ارائه توصیفی غنی از یک واقعیت اجتماعی ایجاد شده توسط آن تم‌ها و مقولات می‌باشد. به بیان دیگر، نتیجه تحلیل محتوای کیفی می‌تواند به گسترش تئوری‌ها و مدل‌های جدید کمک کند (Zhang & Wildemuth, 2009: 318).

در این نوشتار، تفسیری از الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) ارائه می‌دهیم که بر اساس یافتن کدها، مقولات و تم‌های خاص این کار تحقیقی است؛ لذا الگوسازی در این کار تحقیقی به معنای ارائه تفسیری از الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه می‌باشد. به بیان دیگر، الگوی نظام سیاسی که امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه ارائه می‌دهند را بر اساس تحلیل محتوای کیفی و با ارائه کدها، مقولات و تم‌هایی تفسیر می‌نماییم.

### **کدها، مقولات و تم‌های الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه**

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، به دلیل اینکه واحد تحلیل ما کتاب می‌باشد و آوردن واحدهای معنا به صورت کامل با یکی از اهداف تحلیل محتوا که کوتاه کردن متن با

حفظ هسته مرکزی<sup>۲۶</sup> می‌باشد، سازگار نیست و حجم زیادی از کار تحقیقی را اشغال می‌نماید، بنابراین، پس از آوردن چند نمونه از واحدهای فشرده شده معنا و کدهای مناسب برای آن‌ها، فقط کدهای سایر واحدهای معنا آورده می‌شوند و از آوردن سایر واحدهای معنا خودداری می‌شود تا این کار تحقیقی حجمی مناسب برای مقاله را پیدا نماید. سپس، تمام مراحل تحلیل محتوای کیفی (مشخص نمودن کدها، مقولات و تم‌ها) انجام داده می‌شود تا بدین ترتیب بتوانیم تفسیری از الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه ارائه دهیم.

کد	واحد فشرده معنا
بدیهی بودن ولایت فقیه	اینکه امروز به ولایت فقیه توجهی نمی‌شود و احتیاج به استدلال پیدا کرده علیش اوضاع اجتماعی و تاریخی مسلمانان و شرایط حوزه‌های علمیه، عمال دانشگاهی و مستشرقین وابسته می‌باشد.
ریشه‌های تاریخی تصور نادرست از اسلام و عدم توجه به ولایت فقیه	اسلام دین حق، عدالت و آزادی است و برخلاف تصور رایج، اسلام دین جامعی با احکام و قوانینی در باب اداره جامعه می‌باشد. اسلام با آنچه به عنوان اسلام معرفی می‌شود از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می‌تواند داشته باشد به کلی تفاوت دارد.
فرق میان اسلام با آنچه به عنوان اسلام عرضه می‌شود	اسلام همان‌طور که برای وظایف عبادی قانون دارد برای امور اجتماعی و حکومتی قانون و راه و رسم دارد. هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد.
وجود قوانین اجتماعی و حکومتی در اسلام	در به وجود آمدن وضعیت موجود تنها خارجی‌ها مقصّر نیستند برخی از روحانیون نیز که اسلام را پاره‌ای از احکام حیض و نفوس می‌دانند کمک کرده‌اند تا وضع چنین شده است.
قانون اساسی ضد اسلامی مشروطه	قانون اساسی مشروطه، مجموعه حقوقی بلژیکی‌ها است که با مجموعه حقوقی فرانسه و انگلیس ترمیم شد و برای گول زدن ملت بعضی احکام اسلام را ضمیمه کردند.
ضد اسلامی بودن وضعیت موجود	اسلام مقرراتی برای سر و صورت دادن به کارهای ناروا (سلطنت، ولایتهدی، بانکداری تأمین با ربانخواری، پیاله‌فروشی و فحشا) ندارد. تحمیل قوانین بیگانه بر جامعه اسلامی ما منشأ گرفتاری‌ها و مشکلات بسیار شده است.
قانون شرط لازم اما نه کافی	کافی نبودن قانون برای اصلاح جامعه و نیاز به قوه مجریه برای اجرای قانون حضور پیامبر در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان که علاوه بر تبلیغ وحی و تفسیر عقاید اسلام به اجرای احکام و برقراری نظمات اسلام همت گماشته تا دولت اسلام را به وجود آورد.
پیامبر به عنوان مفسر، مبلغ و مجری دولت اسلامی	

کد	واحد فشرده معنا
سعادت بشر مستلزم وجود قوه مجريه	قانونگذاري به تنهائي سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. قوه مجريه است که قوانين و احکام دادگاهی را اجرا می‌کند.
سنت و رویه رسول اکرم در باب حکومت	پیامبر خود تشکیل حکومت داد و به اجرای قوانین و برقراری نظمات اسلام پرداخت و برای پس از خود به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است.
احکام اسلام	طبق آیه شریفه «يا ايهالذين آمنوا طبعوا الله و اطبعوا الرسول و اولى الامر منكم...» احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست و تا ابد باقی و لازم الاجرا است.
تشکیل حکومت	بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره که همه جيانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه درآورده، هرج و مرج به وجود می‌آید و فساد اجتماعی و اعتقادی پدید می‌آید.
نیاز به تشکیل حکومت در دوران غیبت	از غیبت صغیری تاکنون که ممکن است صدهزار سال دیگر بگذرد، احکام اسلام باید زمین بماند؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آن‌ها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است.
کیفیت جامع قوانین اسلام	ماهیت و کیفیت قوانین اسلام می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریع گشته است. قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که برای سعادت و کمال خود اختیاج دارد.
دستگاه اجرایی متناسب با احکام الهی	با دقیقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌باییم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره می‌باشد.
ذکر برخی موارد جهت لزوم دستگاه اجرایی متناسب	احکامی مانند احکام مالی نظیر خمس، احکام دفاعی ملی که راجع به حفظ نظام اسلام است و احکام جزایی بدون برقراری دستگاه اجرایی متناسب تحقق نمی‌یابد.
اسلامی موجود	برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی به معنی بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است و هر نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک‌آمیز است چون حاکمش طاغوت است و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان دور کنیم.
راه دوم	در شرایط اجتماعی حاکمیت طاغوت، انسان مؤمن دو راه در برابر خود دارد: یا اجباراً اعمالی مرتکب شود که شرک‌آمیز و ناصالح است، یا اینکه با اوامر و قوانین طاغوت مبارزه کند. ما چاره‌ای نداریم جز اینکه دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم.
تشکیل حکومت	وطن اسلام را استعمارگران و حکام مستبد و جاهطلب تجزیه کرده‌اند ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم.
لزوم مبارزه با تضاد طبقاتی	استعمارگران به دست عمال سیاسی خود، نظمات اقتصادی ظالمانه‌ای را تحمیل کرده‌اند. در یک طرف صدها میلیون مسلمان گرسنه و محروم از

کد	واحد فشرده معنا
	بهداشت و فرهنگ قرار گرفته است و در طرف دیگر، اقلیت‌هایی از افراد ثروتمند و صاحب قدرت سیاسی که عیاش و هرزه‌گرد و فاسدند. علمای اسلام موظفند با انحصار طلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند.
لزوم وجود رهبری برای ملت‌ها و فرقه‌ها	روایت از امام رضا (علیه السلام): ما هیچ‌یک از فرقه‌ها یا هیچ‌یک از ملت‌ها و پیروان مذاهب مختلف را نمی‌بینیم که جز به وجود یک برپانگهدارنده نظم و قانون و یک رئیس و رهبر توانسته باشند به حیات خود ادامه و باقی بمانند.
کهنگی و فرسودگی دین بدون رهبر	اگر برای مردم امام برپانگهدارنده نظم و قانون، خدمتگار امین و نگهبان پاسدار و امامتداری تعیین نکند دین به کهنگی و فرسودگی دچار خواهد شد و بدعت‌گذاران چیزها در دین خواهند افزود و ملححان چیزها از آن خواهند کاست.
نقص مردم و لزوم وجود رهبری	مردم ناقصند و نیازمند کمالند و ناکاملند. هر گاه کسی را که برپانگهدارنده نظم و قانون باشد و پاسدار آنچه پیامبر آورده بر مردم نگماشته بود به چنان صورتی فاسد می‌شدن و که احکام اسلام دگرگون می‌شد.
لزوم همیشه وجود رهبری	امروز و همیشه وجود «ولی امر» یعنی حاکمی که قیم و برپانگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد ضرورت دارد. وجود حاکمی که مانع تجاوزات و ستمگری‌ها و تعدی به حقوق دیگران باشد.
علم وجود رهبری در گذشته، منشأ گرفتاری‌های امروز	نفوذ و حاکمیت اسلام در جامعه کم شده است، ملت اسلام دچار تجزیه و ناتوانی شده است. احکام اسلام بی‌اجرا ماند و در تغییر و تبدیل واقع شد و ... این‌ها همه برای این بود که ما قیم و رئیس و تشکیلات رهبری نداشیم.
حکومت اسلامی حکومت مشروط به قوانین اسلام	حکومت اسلامی هیچ‌یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست. حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است. البته نه مشروطه به معنی متعارف فعلی آن که به تصویب قوانین تابع آرا اشخاص و اکثریت باشد. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود.
شارع مقدس یگانه قدرت مقننه	فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه در این است که قدرت مقننه و اختیار تشریع در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. هیچ‌کس حق قانون‌گذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به مورد اجرا گذاشت.
جایگزینی مجلس قانون‌گذاری مجلس برنامه‌ریزی وجود دارد که برای وزارت‌خانه‌های مختلف در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد و با این برنامه‌ها کیفیت انجام خدمات عمومی را در سراسر کشور تعیین می‌کند.	در حکومت اسلامی به جای مجلس قانون‌گذاری مجلس برنامه‌ریزی وجود دارد که برای وزارت‌خانه‌های مختلف در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد و با این برنامه‌ها کیفیت انجام خدمات عمومی را در سراسر کشور تعیین می‌کند.
تبعیت از پیامبر و اولی الامر به حکم خدا و قانون الهی	حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون الهی است. آن‌جا هم که اختیارات محدودی به پیامبر داده شده از طرف خداوند است. تبعیت از رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله و سلم) هم به حکم خدا است. پیروی از متصدیان حکومت یا «اولی الامر» نیز به حکم الهی است: اطیعوا... اولی الامر منکم.
نهادهای اجتماعی و هیئت	در حکومت اسلامی برخلاف رژیم سلطنت اثربخشی از کاخ‌های بزرگ، عمارت

کد	واحد فشرده معنا
حاکمهٔ فاسدِ موجود و مغایرت با حکومت اسلامی	کذایی، خدم و حشم، دفتر مخصوص، دفتر ولیعهد و دیگر لوازم سلطنت که بسیاری از بودجهٔ مملکت را از بین می‌برد نیست.
تشکیلات اداری زائد و طرز ادارهٔ توانم با پرونده‌سازی و کاغذبازی، خرج‌هایی بر پهلوی	تشکیلات اداری زائد و طرز ادارهٔ توانم با پرونده‌سازی و کاغذبازی، خرج‌هایی بر بودجهٔ مملکت تحمیل می‌کند که از خرچ‌های حرام نوع اول کمتر نیست.
تشکیلات اداری ساده، سریع و کم خرج اسلام	این سیستم اداری از اسلام بیگانه است. آنوقت که آیین دادرسی اسلام معمول بود قاضی شرع در یک شهر با دو سه نفر مأمور اجرا و یک قلم و دوات فصل خصومات می‌کرد و مردم را به سراغ کار و زندگی می‌فرستاد.
علم به قانون و عدالت زمامدار	حاکم و خلیفهٔ اولاً باید احکام اسلام را بداند یعنی قانون دان باشد. و ثانیاً عدالت داشته از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد. عقل همین اقتضا را دارد زیرا حکومت اسلامی، حکومت قانون است نه خودسری و نه حکومت اشخاص بر مردم.
نظریهٔ شیعه در مورد شرایط زمامدار	اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند لایق حکومت نیست. زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیات‌ها و صرف صحیح آن و اجرای قانون جزا عادلانه رفتار نخواهد کرد.
علم به قانون و عدالتِ فقهاء در دوران غیبت	اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احرار حکومت در دورهٔ غیبت تعیین نشده است تکلیف چیست؟ این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد در عدهٔ بیشماری از فقهاءٔ عصر ما موجود است.
ضرورت اطاعت از ولی فقیه در صورت تشکیل حکومت	اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد بپاختست و تشکیل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر ادارهٔ جامعه داشت دارا می‌باشد، و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

### سایر کدهای مشخص شده

هم شائی فقهاء و عدم توانایی جهت عزل یکدیگر	فضائل متفاوت فقهاء با پیامبر اما اختیارات حکومتی بکسان
تصدیگری قانون‌شناسان و دین‌شناسان	ولی فقیه و سیله‌ای برای تحقق هدف‌های عالی و نظام عادلانه
لزوم حکومت اسلامی برای ملت مسلمان	حاکمیت قانون و آزادی در دایرهٔ مقررات شرعی
فقهاء به متابهٔ حجت بر مردم	انحراف علمایی که وظایف خود را صرفاً مسئله‌گویی می‌پنداشند.
پرهیز از قضات هیئت حاکمهٔ ناروا	اطاعت از احکام حکومتی واجب و متفاوت از اطاعت از احکام خدا که متفاوت از قضاؤت است.
تمام شئون پیامبر قبل انتقال به فقهاء	مراجعه به مقامات قضایی، اجرایی اسلام‌مند و به طور کلی حکومت اسلامی

روایت «تحف العقول» و لزوم امر به معروف و نهی از منکر در برابر حکام جائز	روایت «تحف العقول» و اثبات ولایت فقیه	مراد از روایت «العلماء ورثه الانبياء» علمای امتند و عرف عام ولایت (نه وصف عنوانی انیبا) را به علما واگذار می‌نماید.
ضرورت مبارزه با ظالم و بدعت‌های حکام	وظیقه خطیر علمای دینی	ضرورت مخالفت علماء با بدعت‌ها
ظلمستیزی دلیل احترام علماء	امر به معروف و نهی از منکر شرط ایجاد فرائض دیگر	رهبری علماء در شکل‌گیری یک نهضت نهی از منکر
وظیفة ما، از تبلیغ تا تشکیل حکومت اسلامی	اولین گام تشکیل حکومت اجمع علماء و تبلیغات	سابقه تاریخی ولایت فقیه و حکم حکومتی

پس از مشخص نمودن واحدهای معنای فشرده شده و کدها، کدها را بر اساس خصوصیات و ویژگی‌های مشترکشان در قالب مقوله‌های متفاوت طبقه‌بندی می‌نماییم تا بر این اساس، به واسطه افزایش یافتن قدرت تفسیر بتوانیم مقولات را در ارتباط منطقی با یکدیگر فهم نماییم.

بیش از هفتاد کد مشخص شده در کتاب ولایت فقیه را می‌توان به مقولات متفاوتی طبقه‌بندی نمود. اولین مقوله، «لزوم تشکیل حکومت» می‌باشد. به بیان دیگر، برخی از کدهای به دست آمده را با توجه ویژگی‌های مشترکشان که ناظر بر سه نکته زیر می‌باشند: ۱. دلایل عقلی تشکیل حکومت در اسلام، ۲. ارجاع به روایات و احادیث معصومین (علیهم السلام) که تکلیف جامعه اسلامی را در زمان نبود خویش روشن کردند و ۳. اشاره به نمونه‌هایی از قوانین اسلام که به مسائل اجتماعی مربوط می‌شوند، را می‌توان در مقوله «لزوم تشکیل حکومت» جای داد. این کدها عبارتند از:

لزوم تشکیل حکومت			
سعادت بشر مستلزم وجود قوّة مجریّه	قانون شرط لازم اما نه کافی	وجود قوانین اجتماعی و حکومتی در اسلام	
هرچ و مرچ و فساد بدون تشکیل حکومت	ضرورت استمرار اجرای احکام اسلام	سنّت و رویّة رسول اکرم در باب حکومت	
ذکر برخی موارد جهت لزوم دستگاه اجرایی متناسب با دستگاه اجرایی متناسب	دستگاه اجرایی متناسب با احکام الهی	نیاز به تشکیل حکومت در دوران غیبت	
	وحدت اسلامی از طریق تشکیل حکومت	لزوم حکومت اسلامی برای ملت مسلمان	

علاوه بر مقوله «لزوم تشکیل حکومت»، «لزوم رهبری» مقوله‌ایست که می‌تواند برخی از کدهای دیگر را پوشش دهد. به عبارت دیگر، در تمام این کدها به لزوم وجود رهبری چه در دوره پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) و چه در زمان غیبت اشاره شده است.

لزوم رهبری			
کهنگی و فرسودگی دین بدون رهبر	لزوم وجود رهبری برای ملت‌ها و فرقه‌ها	پیامبر به عنوان مفسر، مبلغ و مجری دولت اسلامی	
عدم وجود رهبری در گذشته، منشأ گرفتاری‌های امروز	لزوم همیشگی وجود رهبری	نقص مردم و لزوم وجود رهبری	

هیچ تئوری سیاسی نمی‌تواند شکل بگیرد مگر با نفی یک چیز و ترسیم بدیلی برای آن. در این کتاب امام خمینی (رهنما) مدام در صددند تا با به چالش کشیدن تصویر نادرستی که از اسلام در آن روزها وجود داشت، تصویری جدیدی از اسلام را ارائه دهند. بنابراین، مقوله سومی که می‌توان به آن اشاره نمود، «تصور نادرست و ارائه تصویر واقعی از اسلام» می‌باشد. کدهای این مقوله عبارتند از:

تصور نادرست و ارائه تصویر واقعی از اسلام			
کیفیت جامع قوانین اسلام	فرق میان اسلام با آنچه به عنوان اسلام عرضه می‌شود	ریشه‌های تاریخی تصویر نادرست از اسلام و عدم توجه به ولایت فقیه	
حاکمیت قانون و آزادی در دایره مقررات شرعی	شارع مقدس یگانه قدرت مقننه	حکومت اسلامی حکومت مشروط به قوانین اسلام	
		انحراف علمایی که وظایف خود را صرفاً مستله‌گویی می‌پنداشتند.	

مقوله بعدی، که می‌توان کدهایی را بر اساس شباهت‌هایشان در ذیل آن قرار داد، «شرایط زمامدار» است. در این مقوله پس از بررسی شرایط زمامدار، بر این نکته تأکید می‌شود که فقهاء، شرایط زمامداری در دوران غیبت را دارا می‌باشند. کدهایی مانند:

شرایط زمامدار			
علم به قانون و عدالت فقهاء در دوران غیبت	نظریه شیعه در مورد شرایط زمامدار	علم به قانون و عدالت زمامدار	
تصدیگی قانون‌شناسان و دین‌شناسان	ولایت فقهاء عادل به استناد اخبار	فضائل متفاوت فقهاء با پیامبر اما اختیارات حکومتی یکسان	
روایت «تحف العقول» و اثبات ولایت فقیه	مراد از روایت «العلماء ورثه الانبیاء» علمای امتند و عرف عام	بدیهی بودن ولایت فقیه	

شرایط زمامدار	
	ولایت (نه وصف عنوانی انبیا) را به علما و اگذار می‌نماید.
	تمام شئون پیامبر قابل انتقال هم شائی فقهاء و عدم توانایی جهت عزل یکدیگر به فقهاء

مفهوم دیگری که می‌توان کدهایی را در ذیل آن طبقه‌بندی نمود، «ولی فقیه و حکم حکومتی، فقهاء و حکم قضاوی» است. در مقوله «شرایط زمامدار» به این نکته رسیدیم که فقهاء شرایط زمامداری را دارا می‌باشند، حال در این مقوله، برای فهم بهتر وظایف ولی فقیه (زمامدار و فقیهی) که امکان تشکیل حکومت را یافته، به تفاوت وظایف ولی فقیه و فقهاء در قالب مفاهیم حکم حکومتی و حکم قضاوی پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، مبنای شکل‌گیری این مقوله را می‌توان تفاوت میان وظایف ولی فقیه و فقهاء دیگر در قالب مفاهیم حکم حکومتی و حکم قضاوی در نظر گرفت. این تفاوت در وظایف، در ملاک صدور این احکام نهفته است. بدین معنا که ملاک صدور احکام حکومتی عبارت است از مصلحت نظام، دفع مفسده و نفی حرج (نمایزی‌فرد، ۱۳۷۹: ۱۱۲) به‌گونه‌ای که این احکام، در چارچوب احکام فرعی شرعی نیست و حاکم اسلامی بر پایه مصلحت‌ها، قادر به صدور احکامی فراتر از قلمرو احکام فرعی می‌باشد زیرا احکام حکومتی از احکام اولیه بوده و بر سایر احکام اولیه و احکام فرعیه، مقدم است (خدمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۰: ۱۷۰؛ و ملاک صدور احکام قضاوی، حل اختلافات میان مؤمنین می‌باشد. بنابراین، امام با تفاوت‌گذاری میان این دو حکم، حق حکومت کردن و وظایف حاکم را متفاوت از حق قضاؤت فقهاء دانسته و آن را به ولی فقیه و اگذار می‌نماید. لذا برای نشان دادن این تفاوت‌گذاری، مقوله «ولی فقیه و حکم حکومتی، فقهاء و حکم قضاوی» را به دو زیرمقوله «ولی فقیه و حکم حکومتی» و «فقهاء و حکم قضاوی» تقسیم نموده و کدهای مربوط به هر یک را مشخص می‌نماییم.

ولی فقیه و حکم حکومتی، فقهاء و حکم قضاوی	ولی فقیه و حکم حکومتی
فقهاء و حکم قضاوی	حاکم شدن فقیه، گرفتن زمام اموری که متفاوت از قضاؤت است.
منصب قضاؤت متعلق به فقهاء است.	اطاعت از احکام حکومتی واجب و متفاوت از اطاعت از احکام خدا

ولی فقیه و حکم حکومتی، فقهاء و حکم قضاؤتی	ولی فقیه و حکم قضاؤتی
ولی فقیه و حکم قضاؤتی	ولی فقیه و حکم حکومتی
ضرورت اطاعت از ولی فقیه در صورت تشکیل حکومت پرهیز از قضايان هیئت حاکمه ناروا	ولی فقیه وسیله‌ای برای تحقق هدف‌های عالی و نظام عادلانه مرجع امور در اختلافات علمای اسلامند
سابقه تاریخی ولایت فقیه و حکم حکومتی	

کدهای دیگری در این کتاب وجود دارند که به توصیف وضع موجود و کاستی‌های آن می‌پردازنند. امام بر مبنای این کدها درصدند با به تصویر کشیدن وضع موجود بر ضرورت و وظیفه مسلمانان جهت مبارزه با چنین وضعی تأکید نمایند. بنابراین، با مقوله «وضع موجود و کاستی‌های آن» زمینه برای مبارزه با نظام پهلوی و نهادهای فکری و اندیشه‌ای حامی آن بر مبنای ترسیم استراتژی‌های مناسب مبارزاتی فراهم می‌شود. کدهای این مقوله عبارتند از:

وضع موجود و کاستی‌های آن		
ضد اسلامی بودن وضعیت موجود	قانون اساسی ضد اسلامی مشروطه	وضع موجود و عوامل داخلی (برخی از روحانیون) و خارجی آن
درک سیاست در رژیم پهلوی	تشکیلات هزینه‌بر و زائد پهلوی	نهادهای اجتماعی و هیئت حاکمه فاسد موجود و مغایرت با حکومت اسلامی

پس از توصیف وضع موجود، در مقوله بعدی به «لزوم مبارزه با نظام سیاسی پهلوی و نهادهای اجتماعی و فکری آن» اشاره می‌شود. به بیان دیگر، کتاب ولایت فقیه مجموعه‌ای از نفی‌ها و اثبات‌ها است. پس از تشریح وضعیت موجود و نفی آن‌ها، امام خمینی (ره) در قالب کدهایی بر لزوم مبارزه با این نفی‌ها و کاستی‌ها تأکید می‌نمایند. این کدها عبارتند از:

لزوم مبارزه با نظام سیاسی پهلوی و نهادهای اجتماعی و فکری آن		
مبارزه با نظام سیاسی ضد اسلامی موجود	دو راه انسان مؤمن و انتخاب راه لزوم مبارزه با تضاد طبقاتی دوم	مبارزه با نظام سیاسی ضد اسلامی
ضرورت اصلاح و تصفیه مقدس‌نماها	ضرورت مبارزه با آثار فکری و بدعت‌های حکام	ضرورت مبارزه با ظلم و

مقوله بعدی «استراتژی‌های مبارزاتی» است. اصولاً مبارزه با وضع موجود بدون استراتژی‌های مناسب امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این راستا، امام در این کتاب، استراتژی‌هایی را ارائه می‌دهند تا با تکیه بر آن‌ها نظام سیاسی پهلوی را از پا انداخته و

نظم نوین اسلامی مدنظر خویش را تأسیس نمایند. این استراتژی‌ها را می‌توان در قالب کدهای زیر شناسایی نمود.

استراتژی‌های مبارزاتی			
رهبری علماء در شکل‌گیری یک نهضت نهی از منکر	ضرورت مخالفت علماء با بدعت‌ها	روایت «تحف العقول» و لزوم امر به معروف و نهی از منکر در برابر حکام جائز	
ظلم‌ستیزی دلیل احترام علماء	امر به معروف و نهی از منکر شرط ایجاد فرائض دیگر	وظیفه خطیر علمای دینی	
ابهاد زدایی از اذهان پیش‌شرط مبارزه	وظیفه ما، از تبلیغ تا تشکیل حکومت اسلامی	اولین گام تشکیل حکومت اجمع علماء و تبلیغات	
اصلاح حوزه‌های روحانیت و روحانیت، در خدمت اصلاحات اجتماعی	اجتماعات اسلامی در خدمت تبلیغات و تعلیمات اسلامی به مردم و دانشجویان	ضرورت معرفی حکومت	

در کتاب ولایت فقیه، همان‌گونه که اشاره شد، در باب لزوم تشکیل حکومت و ارائه تصویری از اسلام که با تشکیل حکومت اسلامی سازگار باشد کدهای فراوانی وجود دارد؛ اما درباره چگونگی نهادهای اجتماعی و سیاسی موجود در این حکومت، کدهای اندکی وجود دارد. به بیان دیگر، امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه تلاش می‌نماید از یکسو با نفی رژیم ضد اسلامی پهلوی و از سوی دیگر، با ارائه قانون اسلام بر مبنای مقولات «لزوم رهبری»، «لزوم تشکیل حکومت»، «تصور نادرست و ارائه تصویر واقعی از اسلام»، «شرایط زمامدار» و «ولی فقیه و حکم حکومتی، فقهاء و حکم قضاوی»، الگویی از نظام سیاسی اسلامی را ترسیم نمایند که در آن ولایت فقیه، وظایف و ضرورت آن، توجیه گردد. با این وجود، کدهای اندکی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها نهادهای اجتماعی و سیاسی مطلوب این الگو را استنباط نمود. این کدها را در قالب مقوله «نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل» طبقه‌بندی می‌نماییم.

نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل	
تشکیلات اداری ساده، سریع و کم خرج اسلام	جایگزینی مجلس برنامه‌ریزی به جای مجلس قانون‌گذاری در حکومت اسلامی

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مفهوم‌لات به دست آمده را می‌توان در قالب دو تم کلی طبقه‌بندی و ارتباط منطقی آن‌ها را تفسیر نمود. این دو تم عبارتند از: ۱. تم حکومت مطلوب در اسلام و ۲. تم لزوم انقلاب. به عبارت دیگر، روح حاکم بر کتاب ولایت فقیه را از یک‌سو تم «حکومت مطلوب در اسلام» و از سوی دیگر، تم «لزوم انقلاب» تشکیل می‌دهند. در تم نخست، امام (علیه السلام) در قالب مقولاتی مانند «الزوم رهبری»، «الزوم تشکیل حکومت»، «تصور نادرست و ارائه تصویر واقعی از اسلام»، «شرایط زمامدار»، «ولی فقیه و حکم حکومتی، فقهاء و حکم قضاوی» و «نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل»، تلاش می‌نمایند تصویری از اسلام به مثابه یک قانون نظام‌مند ارائه دهند که در آن مقولات ذکر شده در کنار یکدیگر منظومه‌ای را پدید می‌آورند که نتیجه‌منطقی آن، «حکومت اسلامی ولایت فقیه» است. به عبارت دیگر، بخش اعظم مبانی الگوی نظام سیاسی‌ای که امام در این کتاب ارائه می‌دهند، از تم «حکومت مطلوب در اسلام» ناشی می‌گردد. در این تم، حکومت در اسلام، حکومت قانون و شریعت الهی است که در کتاب ولایت فقیه تبلور این قانون را در مقولات شش گانه ذکر شده در بالا، مشاهده می‌نماییم.

برای حصول به الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه، تم «حکومت مطلوب در اسلام» را در ارتباط با شش مقوله و دو زیرتم بررسی می‌نماییم. در زیرتم نخست، تحت عنوان رویکرد اندیشه‌ای امام، پنج مقوله را می‌توان در ارتباط با یکدیگر تحلیل نمود. بدین معنا که با مقولات «الزوم تشکیل حکومت» و «الزوم رهبری»، ابتدا امام از دو ضرورت (تشکیل حکومت و رهبری) سخن به میان می‌آورند و در ادامه این دو ضرورت را با مقولات «تصور نادرست و ارائه تصویر واقعی از اسلام»، «شرایط زمامدار» و تمایزگذاری میان «حکم حکومتی و حکم قضاوی» و بیان وظایف و ضرورت وجودی ولایت فقیه، به منظومه اندیشه‌ای و گفتمانی‌ای تبدیل می‌نمایند که پشتونه اندیشه‌ای، معنایی و گفتمانی «حکومت اسلامی ولایت فقیه» را فراهم می‌آورد.

همان‌گونه که اشاره شد امام خمینی در کتاب ولایت فقیه، چگونگی نهادهای اجتماعی و سیاسی حکومت اسلامی را ترسیم نمی‌نمایند، بنابراین، زیرتم رویکرد

اندیشه‌ای است که بر مباحث این کتاب غالب می‌باشد. با این وجود، کدها و اشارات کوتاهی وجود دارند که این‌بار نه از حیث اندیشه‌ای و گفتمانی، بلکه از حیث بهره‌مندی از نهادهای اجتماعی و سیاسی مطلوب در حکومت اسلامی، تم «حکومت مطلوب در اسلام» را توجیه‌پذیر و پذیرفتی می‌نمایند. به عبارت دیگر، در این زیرتم، دیگر معیار مطلوبیت تم «حکومت مطلوب در اسلام»، اندیشه و گفتمان حاکم بر آن نیست (زیرتم اندیشه)، بلکه کارکرد نهادهای اجتماعی و سیاسی آن می‌باشد که همان‌گونه که گفته شد در کتاب ولایت فقیه کدهای اندکی در این رابطه وجود دارند که این کدها را در قالب مقوله و یا زیرتم «نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل» می‌توان طبقه‌بندی نمود.

تم دیگر کتاب ولایت فقیه، «لزوم انقلاب» می‌باشد. وجود این تم در کتاب مؤید این نکته است که بخشی از تعریف و ارائه الگوی نظام سیاسی «حکومت اسلامی ولایت فقیه» با حدود عدمی شناخته می‌شود و این کتاب مجموعه‌ای از نفی‌های رژیم پهلوی است، چه نفی در شکل حکومت و نهادهای اجتماعی و سیاسی آن، و چه نفی نظام فکری و اندیشه‌ای حامی آن. بنابراین، در قالب این تم امام سعی می‌نمایند با به تصویر کشیدن وضع موجود، اولاً الگوی نظام سیاسی ولایت فقیه را در تضاد با آن تعریف نمایند و ثانیاً با ارائه استراتژی‌های مناسب، بر لزوم مبارزه با رژیم پهلوی و نهادهای فکری و اجتماعی آن تأکید نمایند. بنابراین، این تم نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه، ضمن آنکه لزوم انقلاب را برای استقرار نظام نوین اسلامی ضروری می‌داند، الگوی مدنظر خویش را نیز در تضاد و تقابل با آن معرفی می‌نمایند. برای نمونه، درک کاستی‌های وضع موجود، نظیر فساد هیئت حاکمه و تشکیلات هزینه‌بر آن است که الگوی «حکومت اسلامی ولایت فقیه» را توجیه‌پذیر و قابل فهم می‌نماید.

Pattern (الگو)	الگوی نظام سیاسی حکومت اسلامی و لایت فقهی									
Theme (موضوع)	حکومت مطلوب در اسلام					لزوم انقلاب				
Sub-theme (زیر-تم)	رویکرد اندیشه‌ای امام خمینی (ره)					نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل				
Category (مفهومه یا مفهومه‌بندی)	از زوم تشکیل حکومت	از زوم رهبری تصویر نادرست و ارائه تصور واقعی از اسلام	زمادار شرایط حکومتی، فقهاء و حکم فضایتی	نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل	ولی فقهی و حکم فقهاء و حکم فضایتی	وضیع موجود و کاسته‌های سیاسی آن	لزوم مبارزه با نظام سیاسی بهسوی و آن	استراتژی‌های مبارزاتی	نهادهای اجتماعی و ذکری آن	
Sub-category (زیر-مفهومه)					ولی فقهی و حکم فضایتی					
Codes (کدها)										

### یادداشت‌ها

1. B. Berelson
2. objective
3. systematic
4. process
5. rules
6. O. R. Holsti
7. P. Stone
8. M. Q. Patton
9. H.-F. Hsieh & S. E. Shannon
10. Y. Zhang & B. M. Wildemuth
11. case oriented
12. word versus numbers
13. perspectival versus objective views
14. discovery versus proof
15. Conventional content analysis
16. Directed content analysis
17. Summative content analysis
18. validation
19. U. H. Graneheim & B. Lundman
20. L. A. Baxter
21. C. R. Kovach
22. K. Krippendorff
23. P. R. Lichstein & G. Young
24. B. Downe-Wamboldt
25. Abstraction
26. Distillation

## منابع

۱. ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۲)، «تحلیل کیفی متن: استقرا/قیاس»، *فصلنامه مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی*، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان. ۹۲
۲. ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۱)، پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، تهران: نشر علم.
۳. ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، *فصلنامه پژوهش*، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان. ۹۰
۴. باردن، لورنس (۱۳۷۴)، *تحلیل محتوا*، ترجمه مليحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. پیربداقی، فاطمه (۱۳۸۸)، «تحلیل محتوای کمی و کیفی»، *ماهنامه پیام پژوهش*، سال نهم، شماره ۱۰۱، اسفند. ۸۸
۶. خمینی، روح الله (۱۳۵۷)، *ولایت فقیه «حکومت اسلامی»*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، جلد ۲۰، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. شریعتی فیض آبادی، مهدی و محمود گودرزی (۱۳۹۴)، «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین المللی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان. ۹۴
۹. صادقی فساوی، سهیلا و ناصری راد، محسن (۱۳۹۰)، «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ۲، تابستان. ۹۰
۱۰. صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۷۵)، «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی، شماره ۸.
۱۱. فلیک، اووه (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۱۲. فیرحی، داود (۱۳۷۸a)، «مشکلات روش‌شناسی ورود به اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، *مجله حضور*، شماره ۲۸، تابستان. ۷۸
۱۳. فیرحی، داود (۱۳۷۸b)، «امام خمینی (ره)؛ گفتمان تجدد اسلامی»، *مجله علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۵، تابستان. ۷۸

۱۴. کرپندورف، کلوس (۱۳۷۸)، تحلیل محتوا مبانی روش شناسی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر روش.
۱۵. لیندلف، تامس و تیلور، برایان سی (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: نشر همشهری.
۱۶. محمدی‌مهر، غلامرضا (۱۳۸۷)، «نگاهی به کاربردهای روش تحلیل محتوا»، ماهنامه پیام پژوهش، سال هشتم، شماره ۸۹ و ۹۰، بهمن و اسفند ۸۷.
۱۷. نمازی‌فرد، حسین (۱۳۷۹)، «احکام حکومتی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه علوم انسانی، سال اول، شماره ۱، بهار ۷۹.
۱۸. یوسفی ارجمند، آرش (۱۳۸۵)، «تحلیل محتوا کیفی مجلات علمی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران با توجه به مبانی نظری پویایی‌های علم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
19. Graneheim, U. H. & Lundman, B. (2004), *Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness*, Nurse Education Today, No 24 (pp. 105-112).
20. Holsti, O. R. (1968), *Content analysis*, in G. Lindzey & E. Aaronson (Eds), *The Handbook of Social Psychology*. Reading, MA: Addison-Wesley.
21. Hsieh, Hsiu- Fang & Shanon, Sara E. (2005), "Three Approaches to Content Analysis", Qualitative Health Research, vol. 15, No.9, CA: Sage Publications.
22. Maykut, Pamela & Richard Morehouse (1994), *Beginning Qualitative Research, A Philosophic and Practical Guide*, The -Falmer press.
23. Neuendorf, K.A. (2002), *The Content Analysis Guidebook*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
24. Patton, M. Q. (2002), *Qualitative Research & Evaluation Methods*, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
25. Stone, P. (1966), *The General Inquirer: A computer Approach to Content Analysis*, Cambridge: M.I.T Press.
26. Zhang, Y. & Wildemuth, B. M. (2009), *Qualitative analysis of content*. In B. Wildemuth (Ed.), *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science* (pp.308-319). Westport, CT: Libraries Unlimited.